

کتاب **مهدی استاد احمد**

چند وقتی هست اسقاطی شدم

از شما پنهان! کمی قاطی شدم
گرچه یک عمرست مامورم به درد

درد و تب یک روز بدجور عود کرد
آن چنان در قافیه خوردم به تب
عاقبت ناچارتا! رفتم مطب

در مطب بعد از دو ساعت انتظار
گفت منشی یول خود را در بیار!

یول را داده پس از آن رفته تو
با طبیب آغاز کردم گفت و گو

سفره دل پهن کردم برزمین
شرح دادم درد خود را این چنین:

پرشدم چندی است از فکر و خیال
لحظه ای آرامشم امری محال

آخرشب تا روم در رختخواب
می شوم کانون درد و التهاب

هرچه می کوشم مگر خواهم برد
خواب مثل برق از من می پرد

گویی از پشت سرم یک نفر
می زند برگردم با یک فنر

می زُند بر سینه ام خرچنگ چنگ
می خورد برکتف و کولم تخته سنگ

شست پایم را بگیرد گربه گاز
تا نخاعم می رود برق سه فاز

می شود دور و برم چون باغ وحش
وحشت آورتر شود وحشی شبه ش!
می شود روی دو چشم میخکوب

آفتاب سرزمین های جنوب!
می رود نوی دلم یک لنگه کفش
از ته دل می کشم جیغ بنفش

بی هوا مانند نردان جدید
یک نفر در بینی ام ریزد اسید

می کشد تیرخفن سابجکت من!
می رود این تیر تا آبجکت من!

هی می افتم یاد رنگ چشم او
بدتر از آن، یادکیش و قشم او

یک دهان خواهم به پنهای سبد
تا که قشمش در دهانم جا شود!
روی قلمم می رود یک لیفتراک

می کشم تا صبح آه سوزناک
سینه ام مثل جکوزی می شود

هرکه عاشق تر بود داورتر است
عشق از اگوزن! هم خاورتر است!

عاشقی از بیخ و بن درد آور است
عاشقی از بیخ و بن درد آور است
لطف کن یک نسخه تویی ببیچ

زندگی قفل است و تو صاحب سوئیچ
نسخه ای بنویس شسته رفته تا،

حال و روزم خوب گردد ای فتا!
دکتر درمانده کلی فکر کرد

زیرلب انکار چیزی ذکر کرد
یک نگاهی کرد توی آینه

سویم آمد تا کند موعاینه!
توی حلقم یک چراغ قوه کرد

پای چشمم را نمی گویم چه کرد!
بعدکلی وقت که ویزیت کرد

از صدای قلب وات ایزایت؟! کرد
گفت که: درد تو دردی بی دواست

علت عاشق ز علت ها جداست
مبتلا هستی به دردی لاعلاج

مشکلت چیزبست غیر از ازدواج
عاشقی، اما نمی دانی به که

گمشو بیرون از مطب ای مردکه!
گفتم: ای دکترنمای بی حیا

بی ادب! من که به توگفتم فتا!
حیف من که آمدم در این مطب

چون رطب خورده کند منع رطب؟
من مریضم نزد تو یا متهم؟...

از همان داخل زدم در را به هم
بعد دیدم باز داخل مانده ام

آدمم بیرون زدم در را به هم!
آدمم بیرون که شاید کم شوم

سعی کردم مثل این مردم شوم
از مطب افسرده می آیم برون

حالتی دارم فراتر از جنون
غیر از این که نسخه ای در دست نیست

هیچ دارویی برای مست نیست

پل کنراد که بیش از نیم قرن با کاریکاتورهای خود سیاستمداران از هری ترومن رئیس جمهورپیشین امریکا تا جرج دبیلو بوش را به سخره می گرفت، روز شنبه در ۸۶ سالگی درگذشت.
کنراد سه بار برنده جایزه معتبر پولیتزر در سال های ۱۹۶۴، ۱۹۷۱ و ۱۹۸۴ شد، اما شوخی هایش موجب شد نامش در فهرست سیاه ریچارد

## کاریکاتوربست برنده جایزه پولیتزر درگذشت

نیکسون نیز قرار بگیرد.کنراد درجمع ک اریکاتوربست های سیاسی زندگی می کرد و از بزرگان این رشته محسوب می شد.
فعالیت سه دهه ای او در لس آنجلس تایمز کمک کرد این روزنامه به شهرت جهانی برسد. تنها دو کاریکاتوربست دیگر در دوران پس از جنگ دوم جهانی موفق شده اند سه بار جایزه پولیتزر را به دست بیاورند. ریچارد نیکسون موضوع مورد علاقه کنراد بود. در زمان استغای این رئیس جمهور، کنراد



## چرا توپولوف ها سقوط می کنند؟

شب حوصله می سوزد، وقتی که تو می آفتی!

اما چیزی در چشم های مسئول تحویل بارها هست که نگرانان می کند. طاقث نمی آورید و می پرسید آیا پرواز تاخیر دارد یا نه. ترجیح می دهد نشنود. دوباره و بلندتر می پرسید. با خشم به شما می فهماند که در موتور هواپیما نیست که بفهمد پرواز تاخیری کی از بیرجند به زمین خواهد نشست. شما نفس عمیقی می کشید و به دولت الکترونیک فکر می کنید.

کتاب **جلال سمیعی - تهران**

**روایت اول**
شما می روید از سایت شرکت هواپیمایی مورد علاقه یا اجباری تان، با افتخار بلیت تهیه می کنید و احساس می کنید که دولت الکترونیک آن قدر در زندگی شما اثر گذاشته که به زودی از شدت خوشحالی ممکن است همه چیزتان را بفروشید و پولش را بربرید در حساب بانکی تان تا لذت خرید الکترونیک را تجربه کنید. اما این شادی دیربا نیست و فردای همان روز وقتی دارید بلیت قطار را اینترنتی می خرید، سایت هشت بار در مرحله ی پرداخت نهایی خطا می دهد و دنیا روی سرتان خراب می شود. با خودتان فکر می کنید لایذ این ماجرا مربوط به قطع کابل اینترنت در خلیج فارس است و هیچ ربطی به خدمات باارزش دولت الکترونیک ندارد.

**روایت دوم**
از خانواده و آشنایان ودوستان برای سفر به زاهدان حالیت می طلبید و تلاش می کنید خاله تان را متقاعد کنید که نگرانی شان درباره سقوط هواپیما بی مورد است و اصلا سقوط هواپیماها آن قدر احتمالش کم است که در مثال های درس روزنامه نگاری جزو خبرهای عجیب و استثنایی طبقه بندی ش می کنند. خاله خانم اما شنیده که هواپیماهای ایران با بقیه هواپیماهای دنیا متفاوتند و زیاد سقوط می کنند و نمونه اش همین تازگی ها که در قزوین یک عده افتادند و فوت کردند و هنوز هم معلوم نشده که بالاخره در این سقوط خلیان مقصود یا هواپیمای روسی یا ولادیمیرپوتین یا خود اوپاما یا دوباره خود خلیان. شما سعی می کنی به خاله پنهانی که معمولا در سقوط ها خلیانی که درگذشته مقصر است.

**روایت سوم**
به فرودگاه می روید و دو راننده تاکسی را در همان جلوی ورودی ترمینال پرواز می بینید که دارند به قصد کشتن همدیگر را می زنند و دارند یک مسافر را با چمدان هاش نصف می کنند تا او را مال خود کنند. نفسی عمیق در هوای بهاری می کشید و بازرسی را با افتخار رد می کنید و با اینکه یک ساعت به پروازتان مانده هنوز خبری از آن نیست. دوری در فرودگاه می زدید و یک آدامس گران قیمت می خرید و بر می گردید و ذوق می کنید از اینکه اسم پروازتان بالاخره در تابلوی یارانه ای آمده. کارت پرواز می گیرید...

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

**روایت ششم**
همه، مسئولان این حادثه را محکوم می کنند، ولی هیچ کس دزخرواهی نمی کند. چون خلیان فوت کرده. در بررسی های اولیه ای که بدون پیدا شدن جعبه سیاه انجام شده، خطای عامل انسانی را علت اصلی سقوط اعلام می کنند. شما مرده اید. هم زمان یک توپولوف در لهستان سقوط می کند و رئیس جمهور این کشور و هیات همراهش می میرند. اتحادیه جهانی هواپیمایی اعلام می کند که برای برهیز از حادثه، هواپیمای « روسی» سوار نشوید، شما مرده اید، رادیو بعد از آگهی پنیربیتزا، یک بار دیگر عامل انسانی را علت اصلی حادثه اعلام می کند. شما مرده اید. رادیو آرام اعلام می کند که اتحادیه جهانی هواپیمایی گفته هواپیمای « شرقی» سوار نشوید؛ شوروی قبلا بلوک شرق بود و حالا نیست. شما مرده اید. پسرخاله شما برای تسلیت گفتن به مادرتان، بلیت پرواز اصفهان - تهران را از سایت زررو می کند.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

**روایت هفتم**
مسئولان این حادثه را محکوم می کنند، ولی هیچ کس دزخرواهی نمی کند. چون خلیان فوت کرده. در بررسی های اولیه ای که بدون پیدا شدن جعبه سیاه انجام شده، خطای عامل انسانی را علت اصلی سقوط اعلام می کنند. شما مرده اید. هم زمان یک توپولوف در لهستان سقوط می کند و رئیس جمهور این کشور و هیات همراهش می میرند. اتحادیه جهانی هواپیمایی اعلام می کند که برای برهیز از حادثه، هواپیمای « روسی» سوار نشوید، شما مرده اید، رادیو بعد از آگهی پنیربیتزا، یک بار دیگر عامل انسانی را علت اصلی حادثه اعلام می کند. شما مرده اید. رادیو آرام اعلام می کند که اتحادیه جهانی هواپیمایی گفته هواپیمای « شرقی» سوار نشوید؛ شوروی قبلا بلوک شرق بود و حالا نیست. شما مرده اید. پسرخاله شما برای تسلیت گفتن به مادرتان، بلیت پرواز اصفهان - تهران را از سایت زررو می کند.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

در کاریکاتورش نیکسون را سوار بر هلی کوپتری در حال ترک کاف سفیدکشید و زیرش نوشت: « دیوانه از قفس پرید»
کنراد در مصاحبه با آسوشیتدپرس در سال ۲۰۰۶، نیکسون را با جرج دبیلو بوش مقایسه کرد که در آن زمان رئیس جمهور بود. « به نیکسون دو حس داشتم؛ اول اینکه چطور احمقی مثل او رئیس جمهور شده ودوم این که کی از شرش خلاص می شویم. تقریبا همین حس را به بوش دارم.»

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی چهارشنبه / ۱۷ شهریورماه ۱۳۸۹ / ۲۸ رمضان ۱۴۳۱/شماره ۱۵۶۲



.....

## توالث خاطره انگیز

.....

شده بودند. چفت در خراب شده بود و در دیگر چفت نمی شد. آفتابه قرمز سفیدسفید شده بود و شیرآب خراب بود و به زور از آن آب می آمد. مرگ برهای پشت در عوض شده بودند و معلوم بود در چندبار دوباره رنگ شده است خواستم پشت در چیزی بنویسم اما پشیمان شدم.

شما می روید. اما احساس می کنید در خروجی هفتم خبرهایی هست. خانم منستی یقه مامور کنترل بلیت ها را گرفته و حراست پرواز دارد آن ها را سوا می کند. سوار هواپیمای توپوف می شوید و از این که بالاخره به پرواز رسیده اید خوشحالید.

**روایت پنجم**
شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

**روایت ششم**
همه، مسئولان این حادثه را محکوم می کنند، ولی هیچ کس دزخرواهی نمی کند. چون خلیان فوت کرده. در بررسی های اولیه ای که بدون پیدا شدن جعبه سیاه انجام شده، خطای عامل انسانی را علت اصلی سقوط اعلام می کنند. شما مرده اید. هم زمان یک توپولوف در لهستان سقوط می کند و رئیس جمهور این کشور و هیات همراهش می میرند. اتحادیه جهانی هواپیمایی اعلام می کند که برای برهیز از حادثه، هواپیمای « روسی» سوار نشوید، شما مرده اید، رادیو بعد از آگهی پنیربیتزا، یک بار دیگر عامل انسانی را علت اصلی حادثه اعلام می کند. شما مرده اید. رادیو آرام اعلام می کند که اتحادیه جهانی هواپیمایی گفته هواپیمای « شرقی» سوار نشوید؛ شوروی قبلا بلوک شرق بود و حالا نیست. شما مرده اید. پسرخاله شما برای تسلیت گفتن به مادرتان، بلیت پرواز اصفهان - تهران را از سایت زررو می کند.

**روایت هفتم**
مسئولان این حادثه را محکوم می کنند، ولی هیچ کس دزخرواهی نمی کند. چون خلیان فوت کرده. در بررسی های اولیه ای که بدون پیدا شدن جعبه سیاه انجام شده، خطای عامل انسانی را علت اصلی سقوط اعلام می کنند. شما مرده اید. هم زمان یک توپولوف در لهستان سقوط می کند و رئیس جمهور این کشور و هیات همراهش می میرند. اتحادیه جهانی هواپیمایی اعلام می کند که برای برهیز از حادثه، هواپیمای « روسی» سوار نشوید، شما مرده اید، رادیو بعد از آگهی پنیربیتزا، یک بار دیگر عامل انسانی را علت اصلی حادثه اعلام می کند. شما مرده اید. رادیو آرام اعلام می کند که اتحادیه جهانی هواپیمایی گفته هواپیمای « شرقی» سوار نشوید؛ شوروی قبلا بلوک شرق بود و حالا نیست. شما مرده اید. پسرخاله شما برای تسلیت گفتن به مادرتان، بلیت پرواز اصفهان - تهران را از سایت زررو می کند.

**روایت هشتم**
مسئولان این حادثه را محکوم می کنند، ولی هیچ کس دزخرواهی نمی کند. چون خلیان فوت کرده. در بررسی های اولیه ای که بدون پیدا شدن جعبه سیاه انجام شده، خطای عامل انسانی را علت اصلی سقوط اعلام می کنند. شما مرده اید. هم زمان یک توپولوف در لهستان سقوط می کند و رئیس جمهور این کشور و هیات همراهش می میرند. اتحادیه جهانی هواپیمایی اعلام می کند که برای برهیز از حادثه، هواپیمای « روسی» سوار نشوید، شما مرده اید، رادیو بعد از آگهی پنیربیتزا، یک بار دیگر عامل انسانی را علت اصلی حادثه اعلام می کند. شما مرده اید. رادیو آرام اعلام می کند که اتحادیه جهانی هواپیمایی گفته هواپیمای « شرقی» سوار نشوید؛ شوروی قبلا بلوک شرق بود و حالا نیست. شما مرده اید. پسرخاله شما برای تسلیت گفتن به مادرتان، بلیت پرواز اصفهان - تهران را از سایت زررو می کند.

شده بودند. چفت در خراب شده بود و در دیگر چفت نمی شد. آفتابه قرمز سفیدسفید شده بود و شیرآب خراب بود و به زور از آن آب می آمد. مرگ برهای پشت در عوض شده بودند و معلوم بود در چندبار دوباره رنگ شده است خواستم پشت در چیزی بنویسم اما پشیمان شدم.

شما می روید. اما احساس می کنید در خروجی هفتم خبرهایی هست. خانم منستی یقه مامور کنترل بلیت ها را گرفته و حراست پرواز دارد آن ها را سوا می کند. سوار هواپیمای توپوف می شوید و از این که بالاخره به پرواز رسیده اید خوشحالید.

**روایت نهم**
مسئولان این حادثه را محکوم می کنند، ولی هیچ کس دزخرواهی نمی کند. چون خلیان فوت کرده. در بررسی های اولیه ای که بدون پیدا شدن جعبه سیاه انجام شده، خطای عامل انسانی را علت اصلی سقوط اعلام می کنند. شما مرده اید. هم زمان یک توپولوف در لهستان سقوط می کند و رئیس جمهور این کشور و هیات همراهش می میرند. اتحادیه جهانی هواپیمایی اعلام می کند که برای برهیز از حادثه، هواپیمای « روسی» سوار نشوید، شما مرده اید، رادیو بعد از آگهی پنیربیتزا، یک بار دیگر عامل انسانی را علت اصلی حادثه اعلام می کند. شما مرده اید. رادیو آرام اعلام می کند که اتحادیه جهانی هواپیمایی گفته هواپیمای « شرقی» سوار نشوید؛ شوروی قبلا بلوک شرق بود و حالا نیست. شما مرده اید. پسرخاله شما برای تسلیت گفتن به مادرتان، بلیت پرواز اصفهان - تهران را از سایت زررو می کند.

شده بودند. چفت در خراب شده بود و در دیگر چفت نمی شد. آفتابه قرمز سفیدسفید شده بود و شیرآب خراب بود و به زور از آن آب می آمد. مرگ برهای پشت در عوض شده بودند و معلوم بود در چندبار دوباره رنگ شده است خواستم پشت در چیزی بنویسم اما پشیمان شدم.

شما می روید. اما احساس می کنید در خروجی هفتم خبرهایی هست. خانم منستی یقه مامور کنترل بلیت ها را گرفته و حراست پرواز دارد آن ها را سوا می کند. سوار هواپیمای توپوف می شوید و از این که بالاخره به پرواز رسیده اید خوشحالید.

شما می روید. اما احساس می کنید در خروجی هفتم خبرهایی هست. خانم منستی یقه مامور کنترل بلیت ها را گرفته و حراست پرواز دارد آن ها را سوا می کند. سوار هواپیمای توپوف می شوید و از این که بالاخره به پرواز رسیده اید خوشحالید.

شما می روید. اما احساس می کنید در خروجی هفتم خبرهایی هست. خانم منستی یقه مامور کنترل بلیت ها را گرفته و حراست پرواز دارد آن ها را سوا می کند. سوار هواپیمای توپوف می شوید و از این که بالاخره به پرواز رسیده اید خوشحالید.

شما می روید. اما احساس می کنید در خروجی هفتم خبرهایی هست. خانم منستی یقه مامور کنترل بلیت ها را گرفته و حراست پرواز دارد آن ها را سوا می کند. سوار هواپیمای توپوف می شوید و از این که بالاخره به پرواز رسیده اید خوشحالید.

شما می روید. اما احساس می کنید در خروجی هفتم خبرهایی هست. خانم منستی یقه مامور کنترل بلیت ها را گرفته و حراست پرواز دارد آن ها را سوا می کند. سوار هواپیمای توپوف می شوید و از این که بالاخره به پرواز رسیده اید خوشحالید.

شما می روید. اما احساس می کنید در خروجی هفتم خبرهایی هست. خانم منستی یقه مامور کنترل بلیت ها را گرفته و حراست پرواز دارد آن ها را سوا می کند. سوار هواپیمای توپوف می شوید و از این که بالاخره به پرواز رسیده اید خوشحالید.

شما می روید. اما احساس می کنید در خروجی هفتم خبرهایی هست. خانم منستی یقه مامور کنترل بلیت ها را گرفته و حراست پرواز دارد آن ها را سوا می کند. سوار هواپیمای توپوف می شوید و از این که بالاخره به پرواز رسیده اید خوشحالید.

شما می روید. اما احساس می کنید در خروجی هفتم خبرهایی هست. خانم منستی یقه مامور کنترل بلیت ها را گرفته و حراست پرواز دارد آن ها را سوا می کند. سوار هواپیمای توپوف می شوید و از این که بالاخره به پرواز رسیده اید خوشحالید.

شما می روید. اما احساس می کنید در خروجی هفتم خبرهایی هست. خانم منستی یقه مامور کنترل بلیت ها را گرفته و حراست پرواز دارد آن ها را سوا می کند. سوار هواپیمای توپوف می شوید و از این که بالاخره به پرواز رسیده اید خوشحالید.

شما می روید. اما احساس می کنید در خروجی هفتم خبرهایی هست. خانم منستی یقه مامور کنترل بلیت ها را گرفته و حراست پرواز دارد آن ها را سوا می کند. سوار هواپیمای توپوف می شوید و از این که بالاخره به پرواز رسیده اید خوشحالید.



www.khaloorashed.blogfa.com

روایات ورمضاتیبه

کتاب **هدی دانش - اردبیل**

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.

شما مرده اید. توپولوفی که به زاهدان می رفته، در حوالی قم سقوط کرده است.